بررسی

نطق‌های مصدق در مجلس پنجم و ششم

• حسین مکی (۱۲۹۰ میبد یزد - ۱۷ آذر ۱۳۷۸ تهران) نویسنده، مورخ و چند دوره نماینده مجلس ایران بود. او از یاران اولیه دکتر محمد مصدق در نهضت ملی‌شدن نفت بود که پس از مدتی راه خود را از او جدا کرد. مشهورترین تألیف او کتاب ۸جلدی «تاریخ بیست‌ساله ایران» است. مکی در دوران حکومت رزم‌آرا و ساعد به مخالفت با قرارداد گس-گلشائیان پرداخت. در اواخر دوره پانزدهم مجلس، دولت عجله داشت که قرارداد گس-گلشائیان را به تصویب برساند. به همین دلیل نقل است که مکی شب‌ها را در مجلس می‌خوابید تا بتواند روز بعد اولین سخنران مجلس باشد و نوبت را از دست ندهد. بدین‌ترتیب او توانست تا پایان عمر مجلس پانزدهم یک‌سره به‌عنوان مخالف سخنرانی کند و وقتی برای تصویب قرارداد باقی نگذارد. در همین ایام با همکاری بقایی حزب اقلیت را تشکیل داد و در انتخابات مجلس شانزدهم در سال ۱۳۲۸ با همکاری مصدق به نمایندگی مردم تهران برگزیده شد و قویا با دولت رزم‌آرا مبارزه کرد. مکی در زمره معترضان انتخابات دوره شانزدهم مجلس به‌همراه مصدق و جمعی از مدیران جراید در کاخ شاه متحصن شد که به تشکیل جبهه ملی انجامید. او به‌عنوان مخبر کمیسیون نفت در همین دوره انتخاب شد و با سمت دبیر جبهه ملی در ملی‌شدن صنعت نفت فعالیت کرد. در دولت مصدق به‌عنوان یکی از اعضای هیئت خلع ید، از شرکت سابق نفت برگزیده شد و برای تحقق این امر عازم خوزستان شد و پس از سه ماه مسئولیت امور عمرانی خوزستان را بر عهده گرفت و در ۱۳۳۰ همه تابلوهای شرکت نفت ایران و انگلیس را پایین آورد و پیام ...

... دکتر مصدق درباره خرابی خانه‌های مردم، موضوع کسر عایدات بلدیه، قرارداد گمرک و شیلات، نطق راجع به تعرفه گمرکی، نطق راجع به ثبت اسناد، نطق راجع به انحصار دولتی تریاک، نظریات اجمالی راجع به راه‌آهن، اعتبار برای ساخت زندان و... سرفصل‌های مختلفی هستند که در کتاب به آنها پرداخته می‌شود.

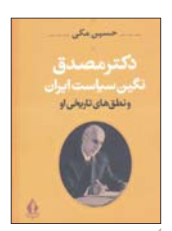

دکتر مصدق نگین سیاست ایران و نطق‌های تاریخی او
حسین مکی
ناشر: بدرقه جاویدان با همکاری انتشارات جاویدان
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

گفت‌وگو با مازیار بهروز درباره کودتای ۲۸ مرداد

۲۸ مرداد مشروعیت سلطنت شاه و مشروطیت را در ایران خدشه‌دار کرد

گروه اندیشه: ظهور و سقوط مصدق، نقطه‌عطفی سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تثبیت قدرت استبدادی شاه، به حکومت مشروطه و قانون اساسی که در دوران رضاشاه موقتا تعطیل شده بود، برای همیشه پایان داد و از آن پس گفتمان انقلاب و قیام مسلحانه به‌جای گفتمان اصلاحات نشست. با گذشت نزدیک به هفت دهه از روزهای کودتا، اسناد محرمانه‌ای که جزئیات عملیات «آژاکس» را روشن می‌کند، همچنان منتشر می‌شود و بررسی ابعاد گوناگون و وقایع سال‌های نهضت ملی‌شدن صنعت نفت هرساله افزایش می‌یابد و البته در این بین تلاش‌هایی نیز برای وارونه‌سازی تاریخ انجام می‌شود. به مناسبت فرارسیدن سالگرد کودتای ۲۸ مرداد با مازیار بهروز به گفت‌وگو نشستیم. بهروز، استاد تاریخ دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو در زمینه تاریخ دوران جدید خاورمیانه و نویسنده کتاب «شورشیان آرمانخواه» است. او علاوه بر کتاب‌ها و مقالاتی که درباره پیشینه جریانات سیاسی چپ در ایران نوشته، تحقیقات و پژوهش‌های متعددی نیز در زمینه دوران‌های مختلف تاریخ ایران، به‌ویژه عصر صفویه، قاجاریه و تاریخ مشروطیت به انجام رسانده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، متن مصاحبه مکتوب با بهروز است.

درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بسته به اینکه گوینده چه کسی باشد، نظرات متفاوت و بحث‌برانگیزی وجود دارد؛ تا آنجا که حتی هنوز برخی آن را نه یک کودتا به دست خارجی‌ها، بلکه قیام ملی می‌نامند و برخی نیز بر لجبازی و خصوصیت‌های شخصی مصدق اشاره می‌کنند و فرضا معتقدند اگر قوام‌السلطنه رهبری جنبش ملی‌شدن نفت را به دست می‌گرفت، نتیجه‌ای دیگر به دست می‌آمد. شما واقعه کودتا را چگونه تحلیل می‌کنید؟

پرسش شما در دو بخش است؛ اینکه ۲۸ مرداد «قیام ملی» بود، داستانی قدیمی و خوانش حکومت سلطنتی از تاریخ است از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷. این برداشت تحریف‌شده از تاریخ، بخشی از تبلیغات حکومت سابق برای موجه جلوه‌دادن خود بود. اما اینکه این برداشت تحریف‌شده بار دیگر سر برآورده است، مربوط می‌شود به کوشش طرفداران سلطنت پهلوی (عموما در خارج از کشور) تا با صرف هزینه، اقدام به تحریف تاریخ کرده و گذشته را برای نسل جدید مخدوش کنند تا از این رهگذر شاید بتوانند مشروعیتی برای خود بیابند. تحریف تاریخ این گروه به کودتا محدود نمی‌شود و آن را می‌توان در دیگر عرصه‌ها نیز مشاهده کرد.

شخصیت مصدق و اشتباهات او و همراهانش در آن دوران پرشتاب و پرالتهاب البته عاملی است که باید به آن توجه شود؛ اما عاملی است حاشیه‌ای. واقعیت این است که بر اساس خروارها سند ...

رزم‌آرا و حل غائله نفت

چرا مصدق تن به پیشنهاد رزم‌آرا نداد؟

حمیدرضا یوسفی

نگاهی به کودتای ۲۸ مرداد در پرتو کتاب تازه منتشرشده علی رهنما با عنوان «پشت پرده کودتای ۱۳۳۲ در ایران»

رخدادی فراتر از سیاست

عظیم محمودآبادی

«من تاج و تختم را مدیون خدا، مردمم، ارتشم و نیز شما هستم».۱

محمدرضا پهلوی

... در دوران پدرش نیز کم‌وبیش همین وضعیت وجود داشته است. او نه تنها نقش دولت‌های غربی در شهریور ۲۰ را فراموش نکرده بود بلکه احتمالا حمایت تام و تمام دولت انگلیس و وزیرمختار این کشور در تهران از پدرش را نیز به یاد می‌آورده است. بنابراین شاه در اینکه «دوستی با غرب» را مهم‌ترین عامل بازگشت خود به قدرت بداند، بر خطا نبوده است: «آنچه در این مطالعه اهمیت دارد این است که بر طبق هر دو روایت، چه روایت متعلق به روزولت (جاسوس خودنما) و چه روایت متعلق به هندرسن (دیپلمات رازدار)، «دوستی با غرب» نه تنها آشکارا تصدیق می‌شود، بلکه از سوی شاه به‌مثابه یکی از عوامل مهم توضیح‌دهنده «موفقیت» وقایع رخ داده در ۲۸ مرداد مورد تأکید قرار می‌گیرد».[15] به همین دلیل او شخصا از سیا و اینتلیجنس سرویس به‌سبب نقش آنها در عملیات مخفی کودتا تشکر می‌کند، هرچند هندرسن آن را در گزارش کتبی خود مخابره نمی‌کند. در عوض، با توجه به شیوه سیاست‌مدارانه و محتاطانه خود، در لفافه و تمثیل از آن تحت عنوان «دوستی با غرب» یاد می‌کند.[16]

کودتا؛ قاتق نان شاه یا قاتل جانش؟

البته این کودتا در تمام سال‌های بعد از آن لحظه‌ای گریبان شاه را رها نکرد و او همواره از اینکه مبادا غربی‌ها دوباره کودتایی ترتیب دهند که این‌بار نتیجه‌اش به‌پایین‌کشیدن او از تخت پادشاهی بینجامد، واهمه داشت. نویسنده «پشت پرده کودتا» این واهمه را به مثابه کابوسی برای او می‌داند که ...

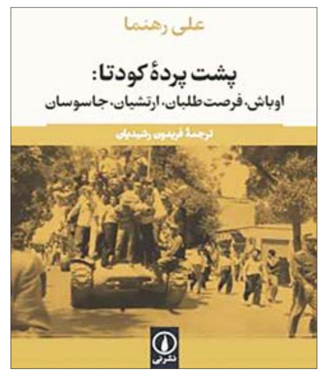

منبع:

۱- پشت پرده ... نشر نی، چاپ اول ...

بررسی

نقش جمعیت‌های مردمی در تاریخ معاصر ایران

• «مردم در سیاست ایران» مجموعه‌ای است از پنج پژوهش موردی یرواند آبراهامیان که در سال‌های گوناگون نوشته و منتشر شده‌اند. موضوع این پنج مقاله نقش‌آفرینی مردم در صحنه سیاست ایران معاصر است. در نخستین مقاله «نقش جمعیت‌های مردمی در انقلاب مشروطه ایران»، نویسنده تحولات سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۹ را به دقت بررسی می‌کند و ضمن اشاره به اینکه در این دوران «ساختار سیاسی شهرها برآمده از توازن پیچیده قدرت میان شاه و بازار بود» می‌نویسد: «هرگاه شاه قدرتمند بود، صنف کدخداها و منصوبان این صنف را به مسند می‌گمارد - مثلا کلانترها و محتسب‌ها را که حاکمان زندگی شهری بودند. هرگاه شاه ضعیف بود، سران اصناف، بزرگ‌ترهای خودشان را انتخاب می‌کردند و آنها - که پیوندی با حکومت نداشتند اما روابطی نزدیک با اهل کسب چرا - استقلال‌شان را نشان می‌دادند و در قامت رقبای نظام سیاسی حاکم عمل می‌کردند». (ص ۱۲) مقاله دوم «نقش جمعیت‌های مردمی در سیاست ایران؛ ۱۳۳۲-۱۲۸۵» به طور عمده به جمعیت‌هایی می‌پردازد که پس از شهریور ۱۳۲۰ و ازسرگذراندن دوره سرکوب دهشت‌بار رضاشاه به صحنه باز می‌گردند و تا مرداد ماه ۱۳۳۲ که بار دیگر دربار توانست به پشتیبانی ارتش دولت را براندازد و مهار خیابان‌ها را به دست گیرد، به فعالیت خود ادامه دادند. طی این ۱۲ سال، جمعیت عنصری مهم در عرصه سیاست بود و اگرچه بسیاری تلاش کردند توده‌های مردم را بسیج و از خیابان‌ها همچون سلاح استفاده کنند، فقط دو تشکیلات بودند که موفقیتی چشمگیر داشتند: حزب توده ایران و جبهه ملی ایران. در مقاله سوم «نقش جمعیت‌های مردمی در انقلاب ایران» آبراهامیان در جمع‌بندی انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ می‌نویسد: «از کل ماجراها ...

... سیاست وجود نداشته و اینکه هر چه در ایران اتفاق افتاده صرفا محصول جانبی تصمیم‌هایی است که در جاهایی دیگر گرفته شده‌اند - در وست مینستر، در کرملین و حالا در کاخ سفید... و سوم اینکه در بیشتر سال‌های قرن بیستم، دولت‌هایی خودکامه حاکم ایران بوده‌اند که عملا تنش‌های اجتماعی و نزاع سیاسی را پنهان کرده‌اند».

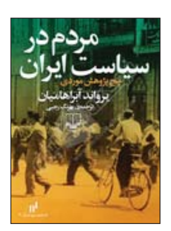

مردم در سیاست ایران
یرواند آبراهامیان
ترجمه: بهرنگ رجبی
ناشر: چشمه
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان